

رایانه، یا کامپیوتر (به انگلیسی: Computer) ماشینی است که برای پردازش اطلاعات استفاده میشود.

رایانه

در زبان انگلیسی «کامپیوتر» به کسی میگفتند که محاسبات ریاضی را (بدون ابزارهای کمکی مکانیکی) انجام میداد. بر اساس «واژهنامه ریشهای Concise Barnhart» واژه کامپیوتر در سال ۱۶۴۶ به زبان انگلیسی وارد گردید که به معنی «شخصی که محاسبه میکند» بودهاست و سپس از سال ۱۸۹۷ به ماشینهای محاسبه مکانیکی گفته میشود. در هنگام جنگ جهانی دوم «کامپیوتر» به زنان نظامی انگلیسی و آمریکایی که کارشان محاسبه مسیرهای شلیک توپهای بزرگ جنگی توسط ابزار مشابهی بود، اشاره میکرد.

در اوایل دهه ۵۰ میلادی هنوز اصطلاح ماشین حساب (machines computing) برای معرفی این ماشینها بهکار میرفت. پس از آن عبارت کوتاهتر کامپیوتر (computer) بهجای آن بهکار گرفته شد. ورود این ماشین به ایران در اوائل دهه ۱۳۴۰ بود و در فارسی از آن زمان به آن «کامپیوتر» میگفتند. واژه رایانه در دو دهه اخیر در فارسی رایج شده و بهتدریج جای «کامپیوتر» را گرفت.

برابر این واژه در زبانهای دیگر حتما همان واژه زبان انگلیسی نیست. در زبان فرانسوی واژه اسپانیایی در رومیکاریه باشدمی «سازمرتبه ماشین» یا «دهسازمان» معادل که، "ordinateur" زبان اسپانیایی کشورهای دیگر در همچنین، شودمی استفاده مشابه معنایی با "ordenador" از که رومیکاریه computador واژه پرتغالی در. شودمی ادا ایماآبانهانگلیسی بصورت computadora واژه computar گرفته شده و به معنای «محاسبه کردن» میباشد. در ایتالیایی واژه "calcolatore" که معنای ماشین حساب بکار میرود که بیشتر روی ویژگی حسابگری منطقی آن تاکید دارد. در سوئدی رایانه خوانده "tietokone" فنلاندی به. است شده برگرفته (هاده) "data" از که شودمی خوانده "dator" میشود که به معنی «ماشین اطلاعات» میباشد. اما در زبان ایسلندی توصیف شاعرانهتری بکار میرود، «dian» رایانه چینی در. باشدمی «شمارشگر پیشگوی زن» معنای به و مرکب ایستواژه که «tölva» عنوان به، شودمی استفاده گوناگونی تعبیر و ههاواژه انگلیسی در. شودمی خوانده «برقی مغز» یا «nao» مثال دستگاه دادهپرداز («machine processing data»).

معنای واژهی فارسی رایانه

واژه‌ی رایانه از مصدر رایانیدن ساخته شده که در فارسی میانه به شکل *rāyēnīdan* و به معنای «مرتب کردن، نظم بخشیدن و سامان دادن» بوده است. این مصدر در زبان فارسی میانه یا همان پهلوی کاربرد فراوانی داشته و مشتق‌های زیادی نیز از آن گرفته شده بوده. در زبان فارسی نو یا همان فارسی (دری) این فعل و مشتق‌هایش به کار نرفته‌اند. برای مصدر رایانیدن/ رایانیدن در لغتنامه‌ی دهخدا چنین آمده:

رایانیدن . [د] (مص) رهنمائی نمودن به بیرون . هدایت کردن . (ناظم الاطباء). اما در مأخذ دیگر دیده نشد.

و گویا تنها در واژه‌نامه‌ی ناظم‌الاطباً آمده است.

شکل فارسی میانه‌ی این واژه *rāyēnīdan* بوده و اگر می‌خواستیم به فارسی نو برسیم به شکل رایانیدن/ رایانیدن درمی‌آمده. (بسنجید با واژه‌ی فارسی میانه‌ی *āgāhēnīdan* که در فارسی نو آگاهانیدن/ آگاهانیدن شده است).

این واژه از ریشه‌ی فرضی ایرانی باستان **radz-* است که به معنای «مرتب کردن» بوده. این ریشه به صورت *rad-* به فارسی باستان رسیده و به شکل *rāy* در فارسی میانه (پهلوی) به کار رفته. از این ریشه ستاکهای حال و واژه‌های زیر در فارسی میانه و نو به کار رفته‌اند:

شودمی دیده نو فارسی آرایش‌ی واژه در که میانه فارسی *-ā-rāy* > باستان ایرانی **-ā-rādz-a**

دیده نو فارسی پیرایش‌ی واژه در که میانه فارسی *-pē-rāy* > باستان ایرانی **-pati-rādz-a** میشود؛ و

شودمی دیده نو فارسی راست‌ی واژه در که میانه فارسی *rāst* > باستان ایرانی **-rādz-ta**

این ریشه‌ی ایرانی از ریشه‌ی هندواروپایی **reġ-* به معنای «مرتب کردن و نظم دادن» آمده است. از این ریشه در

* هندی *a-rāj* به معنی «هدایتکننده، شاه» (یعنی کسی که نظم میدهد)؛

* لاتینی us-rect به معنی «راست، مستقیم»،

* فرانسه rect-di به معنی «راست، مستقیم»،
* آلمانی richt به معنی «راست، مستقیم کردن» و
* انگلیسی right به معنی «راست، مستقیم، درست»

برجای مانده است.

در فارسی نو پسوند -ه (= /e/ در فارسی رسمی ایران و /a/ در فارسی رسمی افغانستان و تاجیکستان) را به ستاکِ حال فعلها می‌چسبانند تا نام ابزار آن فعلها به‌دست آید (البته با این فرمول مشتقهای دیگری نیز ساخته میشود، اما در اینجا تنها نام ابزار مد نظر است)؛ برای نمونه از

* مال- (یعنی ستاکِ حال مالیدن) + -ه، ماله «ابزار مالیدن سیمان و گچ خیس»

* گیر- (یعنی ستاکِ حال گرفتن) + -ه، گیره «ابزار گرفتن»

* پوش- (یعنی ستاکِ حال پوشیدن) + -ه، پوشه «ابزار پوشیدن» (خود را جای کاغذهایی بگذارید که پوشه را می‌پوشند!)
* رسان- (یعنی ستاکِ حال رساندن) + -ه، رسانه «ابزار رساندن اطلاعات و برنامه‌های دیداری و شنیداری»

حاصل میگردد.

در فارسی نو پسوند -ه (= -e یا همان -a) را به ستاکِ حال "رایانیدن" یعنی رایانه- چسباندهاند تا نام ابزار این فعل ساخته شود؛ یعنی "رایانه" به معنای «ابزار نظم بخشیدن و سازماندهی (داده‌ها)» است.

احتمال میرود که سازندگان این واژه به واژهی فرانسوی این مفهوم، یعنی ordinateur توجه داشته‌اند که در فرانسه از مصدر ordre «ترتیب و نظم دادن و سازمان بخشیدن» ساخته شده. به هر حال، معنادهی واژهی رایانه برای این دستگاه جامع‌تر و رساتر از کامپیوتر است. یادآور میشود که است "کردن حساب" از فراتر برآستی دستگاه این کار که آن حال، است «حسابگر» معنای به computer

از: ویکیپدیا؛ دانشنامهی آزاد